

بررسی تأثیر آموزش به بیماران تحت درمان با همودیالیز بر کاهش عوارض آن

حمیدرضا بهنام‌وشانی* - عباس حیدری*

این پژوهش، یک مطالعه نیمه‌تجربی است که هدف آن، تعیین میزان تأثیر آموزش به بیماران تحت درمان با همودیالیز بر کاهش عوارض و مشکلات ناشی از نارسایی کلیه در بین دو جلسه همودیالیز می‌باشد. بدین منظور، نمونه‌ای شامل ۳۰ بیمار مبتلا به نارسایی مزمن کلیه تحت درمان با همودیالیز در بیمارستان حشمتیه شهرستان سبزوار مورد آزمایش قرار گرفتند. وزن پایه افراد مورد مطالعه ۴۶/۲ کیلوگرم می‌باشد. جهت رسیدن به اهداف، ابتدا وزن پایه بیماران تعیین و سپس طی سه جلسه متوالی و قبل از انجام همودیالیز معیارهای مورد نظر اندازه‌گیری می‌شد. سپس برنامه آموزشی اجرا و بعد از آن طی سه جلسه متوالی مجدداً معیارهای مذکور اندازه‌گیری و با اندازه‌های قبل از آموزش مقایسه می‌شد. آزمون t زوج به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که وزن، ادم و تنگی نفس بیماران در مرحله بعد از آموزش بطور قابل توجهی کاهش پیدا نموده است ولی فشارخون و برخی دیگر عوارض نارسایی کلیه مثل خارش پوست تغییر چندانی نداشته است. یافته‌ها همچنین همبستگی معنی‌داری را بین متغیر سطح تحصیلات و تغییر وزن و همچنین بین متغیر سن و کاهش تنگی نفس نشان دادند. بطور کلی، این مطالعه استفاده از آموزش به مددجو را به عنوان یک روش مؤثر در ارتقاء سطح مراقبت از خود بیماران توصیه می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: آموزش، همودیالیز، نارسایی کلیه، عوارض.

مقدمه

آموزش به بیمار مسئولیت سنگینی است که اعضای تیم پزشکی بایستی آن را مد نظر داشته باشند. از لحاظ تعریف، کمپ و رچاردسون معتقدند؛ آموزش به بیمار عبارتست از تعلیم بیمار بر اساس نیازهای فردی‌اش، در یک موقعیت خاص بیماری است، بطوریکه باعث ایجاد تغییرات مطلوب رفتاری در او می‌گردد.

آموزش می‌تواند به بیمار در سازگاری خود با درمان و در حل مشکلاتی که با آنها روبروست؛ کمک نماید و آنها را از چگونگی مراقبت از خود آگاه سازد. دوگاس معتقد است؛ آموزش به بیمار یکی از حقوق اساسی بیماران بوده و در این زمینه می‌افزاید؛ این حق بیمار است که در زمینه تشخیص بیماری، برنامه معالجه خود، عمل جراحی، مزایا، اثرات و زیانهای آن

* فوق لیسانس آموزش پرستاری، گرایش کودکان - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار

* فوق لیسانس آموزش بهداشت - عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار

اطلاع کسب کند(۱). از طرفی واقفیم که در بین هشت رکن اساسی که در تعریف مراقبتهای بهداشتی اولیه (P.H.C) آمده است؛ آگاهی و آموزش دارای مقام اول است و همچنین مطالعات انجام شده در مورد آموزش به مددجو، پیوسته مفید بودن آن را به جهت کاهش شکایات بعد از عمل، کوتاه کردن مدت بستری شدن، افزایش رضایت بیمار و برگشت سریع به کار به اثبات رسانیده است(۶).

آموزش به مددجو، در حقیقت یکی از اجزای ضروری مراقبتهای پرستاری است که در جهت حفظ، ارتقاء و باز گرداندن سلامتی و سازگاری با اثرات باقیمانده بیماری عمل می کند.

بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه که جهت ادامه زندگی نیاز به درمان حمایتی و مداوم توسط دیالیز دارند؛ از جمله بیمارانی هستند که آموزش به آنها نقش به سزایی را در ارتقاء کیفیت زندگی و سازگاری با مشکلات ناشی از بیماری دارد. بسیاری از این بیماران در اثر عدم آگاهی از بیماری خود و نحوه برخورد با آن بطور مداوم و خصوصاً در بین دو جلسه همودیالیز دچار مشکلات متعددی نظیر افزایش بیش از حد وزن، فشارخون، ادم و علائم عمومی ناشی از نارسایی کلیه می گردند.

از آنجا که در این بیماران مراقبت از خود، نقش اساسی را در کاهش مشکلات ناشی از نارسایی کلیه دارد؛ لذا به نظر می رسد اگر میزان آگاهی آنها از نحوه مراقبت و برخورد با بیماریشان افزایش یابد؛ کاهش چشمگیری در عوارض مربوط به بیماری که بین دو جلسه دیالیز شدت می یابد، بوجود آید.

آموزش به بیمار یکی از حقوق اساسی بیماران بوده و این حق بیمار است که در زمینه تشخیص بیماری، برنامه معالجه خود اطلاع کسب کند.

این پژوهش، در نظر دارد تأثیر آموزش به مددجویان تحت درمان با همودیالیز را بر میزان کاهش علائمی که در بین دو جلسه همودیالیز برای بیماری بوجود می آید؛ مورد آزمایش قرار دهد. در این راستا دو فرضیه کلی مورد آزمایش قرار می گیرند.

۱ - آموزش به مددجویان تحت درمان با همودیالیز باعث کاهش عوارض ناشی از نارسایی کلیه بین دو جلسه دیالیز می گردد.

۲ - عواملی نظیر سن، جنس، تحصیلات، شهرنشینی و وضعیت تأهل در میزان کاهش عوارض نارسایی کلیه ناشی از آموزش تأثیر دارد.

پژوهشی در سال ۱۹۹۴ (مصادف با ۱۳۷۳ هـ.ش) توسط کورنیویس و برین ، تأثیر برنامه های حمایتی و آموزشی بر روی تطابق روانی، اجتماعی و جسمی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه را که تحت درمان با همودیالیز بودند؛ مورد ارزشیابی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که پرستاران می توانند از طریق تدارک برنامه های حمایتی و آموزشی مناسب، تأثیر مثبتی در یادگیری بیماران را در امر مراقبت از خود درگیر نمایند(۵).

پژوهشی در سال ۱۹۸۶ (مصادف با ۱۳۶۵ هـ.ش) نیز توسط هاتاوی بصورت یک متاآنالیز انجام شد که تأثیر آموزش قبل از عمل را بر روی نتایج بعد از عمل مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش میزان متوسط اثر در رابطه با نتایج بعد از عمل را ۰/۴۴ نشان داد که این میزان نشان دهنده این است که بطور متوسط بیمارانی که آموزشهای قبل از عمل را دریافت

کرده بودند نتایج مطلوبتری را بعد از عمل کسب کردند(۴).

از آنجایی که آموزش به مددجو بایستی بر اساس نیاز آنان صورت گیرد لذا درک پرستاران و کارکنان یا ارگان (تیم) بهداشتی از نگرش و نیاز بیماران نقش اساسی را در میزان تأثیر آموزش ایفا می‌کند. به همین منظور پژوهشهای متعددی صورت پذیرفته است و میزان سازگاری بین درک و نگرش بیماران و پرستاران را مورد بررسی قرار داده است. بطور مثال، پژوهشی توسط گرگور و تیس در کانادا نگرش بیماران و پرستاران از آموزش به مددجو را مورد مقایسه قرار داد. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۷۲ پرستار و بیمار انتخاب و پرسشنامه مورد نظر توسط آنان تکمیل گردید. بطور کلی، نتایج پژوهش عدم سازگاری مشخصی را بین نگرش پرستاران و بیماران نشان داد(۳).

نتایج پژوهشهای فوق نشان می‌دهد اگر چه آموزش به مددجو دارای تأثیر مثبتی است و موجب کاهش چشمگیری در مشکلات بیماران می‌گردد؛ اما بایستی این آموزش منطبق بر نیاز مددجویان بوده و نگرش آنان در مورد آموزش مد نظر قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش، یک طرح نیمه‌تجربی است که در بخش همودیالیز بیمارستان شهرستان سبزوار انجام گردیده است. بدین منظور، نمونه‌ای شامل ۳۰ بیمار تحت درمان با همودیالیز انتخاب و آموزشهای لازم بر اساس نیاز آنان به آنها داده شد. روش کار بدین صورت بود که ابتدا وزن پایه بیماران تعیین گردید و سپس طی سه جلسه مکرر و قبل از انجام همودیالیز معیارهای مورد نظر اندازه‌گیری می‌شد. سپس برنامه آموزشی به صورت آموزش فردی برای هر یک از بیماران طرح و اجرا می‌گردید و بعد از آموزش، طی سه جلسه متوالی مجدداً معیارهای مذکور اندازه‌گیری و در فرم گردآوری اطلاعات ثبت می‌گردید. بعد از کدبندی اطلاعات و استفاده از آمار توصیفی به منظور توصیف اطلاعات اولیه، از آزمون t مزدوج برای مقایسه میانگینها (قبل و بعد از آموزش) استفاده شد. همچنین فرمول ضریب همبستگی برای تعیین ارتباط بین عوامل مورد بحث با میزان تأثیر آموزش مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها

داده‌های پژوهش نشان داد که ۳۸/۹ درصد نمونه‌ها مذکر و ۶۱/۱ درصد مؤنث می‌باشند. میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۹/۶ سال بوده است. ۴۴/۴ درصد ساکن روستا و ۵۵/۶ درصد ساکن شهر هستند. ۱۶/۷ درصد مجرد و ۸۳/۳ درصد متأهل می‌باشند. ۴۴/۴ درصد بی‌سواد می‌باشند و سطح تحصیلات بقیه نمونه‌ها ابتدایی و راهنمایی بود. میانگین وزن پایه افراد مورد مطالعه ۴۶/۲ کیلو گرم بوده است.

جدول ۱: ارزیابی معیارهای مورد بررسی در بیماران تحت درمان با دیالیز در مراحل قبل و بعد از آموزش

| زمان ارزیابی | قبل از آموزش | | بعد از آموزش | |
|-----------------|--------------|--------------|--------------|--------------|
| | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار |
| متغیرهای وابسته | | | | |
| P | | | T | |

جدول ۲: همبستگی متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته

| سن | مدت زمان ابتلا | سطح تحصیلات | متغیرهای مستقل متغیرهای وابسته |
|--------------------------|--------------------------|--------------------------|-----------------------------------|
| $r = 0/19$ $P > 0/7$ | $r = 0/11$ $P < 0/08$ | $r = 0/78$ $P < 0/05$ | کاهش وزن |
| $r = 0/82$ $P < 0/01$ | $r = 0/21$ $P > 0/5$ | $r = 0/32$ $P > 0/4$ | کاهش تنگی نفس |
| $r = 0/14$ $P > 0/8$ | $r = 0/24$ $P > 0/4$ | $r = 0/18$ $P > 0/8$ | کاهش ادم |

آزمون t مزدوج نشان داد که وزن، ادم و تنگی نفس بیماران در مرحله بعد از آموزش بطور قابل توجهی کاهش پیدا نموده است، ولی فشارخون و برخی دیگر از عوارض نارسایی کلیه مثل خارش پوست تغییر چندانی نداشته است (جدول ۱). در ارتباط با فرضیه دوم؛ آزمون ضریب همبستگی نشان داد که از بین عوامل مورد بررسی، فقط بین متغیر سطح تحصیلات و تغییر وزن و همچنین بین متغیر سن و کاهش تنگی نفس همبستگی قابل توجهی وجود دارد (جدول ۲). متغیرهای جنس، محل سکونت و تأهل نیز ارتباط معنی داری با متغیرهای وابسته پژوهش نداشتند (جدول ۳).

جدول ۳: میانگین تفاوت‌های وزن بیماران (تأثیر آموزش) به تفکیک جنس، محل سکونت و تأهل

| P | T | انحراف معیار | میانگین تفاوت ها | متغیرهای مستقل | |
|-----|------|--------------|------------------|----------------|-----------|
| 0/2 | 1/67 | 0/45 | 0/64 | زن | جنس |
| | | 0/76 | 1/43 | مرد | |
| 0/3 | 1/45 | 0/77 | 1/58 | مجرد | تأهل |
| | | 1/53 | 0/84 | متاهل | |
| 0/5 | 0/94 | 0/62 | 1/98 | شهر | محل سکونت |
| | | 0/85 | 1/34 | روستا | |

بحث

همانطور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ پرستاران و اعضای تیم بهداشتی با رعایت اصول آموزش به بیمار می‌توانند نقش مؤثری را در کاهش مشکلات بیماران ایفا نمایند. ملاحظه می‌گردد، که بسیاری از بیماران بعد از آموزش، به جهت رعایت برنامه مراقبت از خود تا اندازه‌ای بر بعضی از مشکلاتشان نظیر افزایش وزن، تنگی نفس و ادم فائق آمده و ناراحتی کمتری را نسبت به جلسات قبل تجربه نمودند این امر نشان دهنده تأثیر مثبت آموزش به مددجو است. اگر چه یافته‌های این پژوهش، تأثیر مثبت آموزش را در مواردی نظیر کاهش فشارخون و خارش پوست معنی دار نشان نمی‌دهد (جدول ۱)، ولی در مجموع تا اندازه‌ای یافته‌های پژوهشهای قبلی نظیر پژوهش کورنیوایس و برین و همچنین پژوهش هاتاوی را مورد تأیید قرار می‌دهد (۴ و ۵). به نظر می‌رسد بدلیل وجود مکانیسم‌های درونی تنظیم‌کننده فشارخون، خصوصاً مکانیسم‌های طولانی اثر، آموزش به مددجو تأثیر فوری در کاهش فشارخون نداشته باشد.

ادم و تنگی نفس بیماران در مرحله بعد از آموزش بطور قابل توجهی کاهش پیدا نموده است.

در رابطه با خارش پوست نیز مکانیسم مشابهی را می‌توان عامل عدم تأثیر آموزش دانست بدین صورت که با توجه به اینکه عامل اصلی در بروز خارش پوست افزایش فسفر سرم و رسوب آن در پوست می‌باشد، لذا رفع این عامل نیز به زمان زیادی نیاز دارد و دلیل دیگر آن را می‌توان در این دانست که رعایت کاهش مصرف غذاهای حاوی فسفر نسبتاً کار مشکلی خصوصاً برای بیمارانی است که از لحاظ تحصیلات در رده‌های بسیار پایین قرار دارند.

در رابطه با فرضیه دوم پژوهش که ارتباط بین عواملی نظیر سن، سطح تحصیلات، جنس، تأهل و محل سکونت را با میزان تأثیر آموزش مورد بررسی قرار می‌دهد؛ یافته‌ها نشان دادند که فقط بین متغیر سطح تحصیلات و کاهش وزن و همچنین بین سن و کاهش تنگی نفس همبستگی معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که بیماران دارای تحصیلات بیشتر موفقیت بهتری را در کنترل وزن خود پس از آموزش کسب کردند. این مسأله با توجه به نقش سواد موفقیت بهتر فرد در ابعاد مختلف زندگی امری قابل انتظار و بدیهی است.

در رابطه با تنگی نفس، یافته‌ها نشان داد که افراد مسن‌تر موفقیت کمتری را در جهت رفع مشکلشان بدست آورده‌اند. در این رابطه احتمالاً عوامل دیگری به غیر از مشکل کلیوی می‌تواند نقش داشته باشد. شیوع بیشتر بیماری‌های ریوی در سنین بالاتر، تغییرات فیزیکی و عملکردی سیستم تنفس، عدم وجود انگیزه قوی و فعالیت جسمانی کمتر را می‌توان از علل عمده تنگی نفس در آنان دانست.

یکی از محدودیت‌های اصلی این پژوهش، تعداد کم واحدهای پژوهش بود که این مسأله نیز می‌تواند به نوبه خود تأثیراتی را در یافته‌های این پژوهش داشته باشد و پژوهشگران جهت تأیید یافته‌های فوق، انجام پژوهش‌های دیگری نظیر این پژوهش را با تعداد نمونه بیشتر توصیه می‌کنند.

بهرحال، علی‌رغم اینکه آموزش به بیمار یکی از ابعاد اساسی و مهم حرفه‌ای هر پرستار است و امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته بر روی آن تأکید زیادی شده است ولی در مجموع هنوز نتایج مطلوبی در این زمینه کسب نشده است؛ چرا که اولاً در برخی از کشورهای جهان سوم، پرستاران با اهمیت این بُعد از نقش خود آشنا نیستند و آن را جزء برنامه کاری خود نمی‌دانند و ثانیاً در کشورهای پیشرفته که اهمیت این بُعد از جانب پرستاران شناخته شده است، موانع متعددی از قبیل نگرش‌های منفی بیماران، محدودیت زمانی، آگاه نبودن از نیازهای بیماران، فقدان حمایت پزشکان و نهایتاً عدم اطمینان پرستاران به نقش آموزشی خویش و ... باعث عدم موفقیت کامل این مهم گردیده است. در مورد رفع موانع فوق و پیشرفت این بُعد از نقش پرستار به نظر می‌رسد موارد زیر راهگشا باشند:

اول اینکه برنامه‌هایی تدارک دیده شوند که پرستاران را به نقش مهم آنها در آموزش به بیمار آگاه سازد؛

دوم اینکه، از طریق رسانه‌های گروهی مثل رادیو و تلویزیون مردم را با توانایی‌ها و وظایف حرفه‌ای و آموزشی پرستاران آگاه ساخته تا نگرش منفی بیماران در این مورد از بین برود؛

سوم، برنامه آموزش به بیمار مثل هر مراقبت دیگر جزء برنامه کاری پرستار در هر شیفت گنجانیده شود و پرسنلی در این خصوص در نظر گرفته شوند؛

چهارم، برنامه مراقبتی بیمار بطور سیستماتیک از طریق فرآیند پرستاری یا گزارشات مشکل مدارانه طرح ریزی شود تا نیازهای آموزشی بیمار جهت آموزش مشخص شود؛ نهایتاً اینکه برنامه‌هایی برای پزشکان و سایر اعضاء تیم بهداشتی گذاشته شود تا آنها به نقش واقعی پرستار و اهمیت آن آگاه گردند. به امید روزی که نقش واقعی پرستار در جامعه شناخته شده و آموزش به بیمار بتواند جایگزین بسیاری از داروهایی گردد که امروزه بطور بی‌رویه و وحشتناک مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

Abstract

Survey On Impact Of Instruction To The Patients Under Treatment With Hemodialysis Upon Reduction Of Complication Resulting From Renal Failure

This research is a semi-experimental study the purpose of which is to determine the rate of impact of instruction to the patients under treatment with hemodialysis upon reduction of complication and problems resulting from inefficiency of the kidney between two session of dialysis. To this purpose , sample consisting of 30 patients suffering from chrinic renal deficiency being treated with hemodialysis in the hospital of the city of Sabzevar was investigated. The basic weight of the people under study was 46.2 Kgs. In order to reach the goals , first the base weight of the patients was determined. Then, during three consecutive sessions, and prior to the performance of hemodialysis , the given criteria were measured. then, the instructilonal program was performed ; afterwards, within three consecutive sessions, the afore-mentioned criteria were again measured. A comparison was made with the measurements before instrution. The pairedt t-test was employed for the findings of the research showed that the weight, athma and the asphyxia of the patients have shown a consid erable reduction within Post-instructional stage, but that hypertension and some other complications arising from kidney unsufficiency such as the itching of the skin have not displayed so apparent results. The findings also displayed a significant correlation between variables of level of education and weight alterations as well as between variable of age and reduction of asphyxia.

Key words : *Instruction , Hemodialysis , Complication , Renal failure .*

منابع

- ۱ - دوگاس ، برلی و یتر . اصول مراقبت از بیمار . نگرش جامع بر پرستاری . ترجمه گروه مترجمین وزارت بهداشت. تهران : انتشارات معاونت پژوهشی وزارت بهداشت . ۱۳۷۱ .
2. Devine , L . etal . Clincal and financial effect of Psychoeducational care provided by Staff Nurses to Adult surgical patient. Am. J public Health . Vol 78 , No 10. 1988 . pp. 123 -6.
3. Gregor , frances M . , ganice , they . and thissen , Vlctor . the nurses Role iN patient Education: incongruent perceptions Among Nurses and patient journal of Advanced Nursing . Vol 12 . 1987. pp 291 - 301.
4. Hathaway Dovva . effect of preoperative instruction post operative outcomes : A meta - Analysis. Nursing research . vol 35 . no 5 . 1986 . pp 269-274 .
5. korniewicz & Beien . Evaluation of a Hemodialysis patient Education and support program . ANNA- journal . 21 (1) , 1994 . pp 33 - 8.
6. Yount , Sue . Schoessler Mary . A description and Nurse Perceptions of Preoperative Teaching Journal of Post Anesthesia nursing . Vol 6 . No 1 . 1991 . pp 17 - 25.

